

آلن گرینسپن،^۱ رییس پیشین فدرال رزرو، زمانی بر این باور بود که نهادهای وام‌دهنده به خوبی وظیفه‌ی حمایت از سهام‌داران‌شان را انجام می‌دهند. در پی تجربه‌ی سقوط اعتباری وی اذعان کرد که در «وضعیت ناباوری تکان‌دهنده‌ای» قرار گرفته است. شاید این «ناباوری تکان‌دهنده» امروز به سرمایه‌گذاران و ناظران (و در حقیقت خود حسابداران) گسترش یافته باشد؛ حسابدارانی که زمانی بر این باور بودند که استانداردهای حسابداری برای ابزارهای مالی بنیادی استوار و قابل‌اتکا دارد و از این توان برخوردار است که خود را تصحیح کند. مضمون اصلی این مقاله شناخت این موضوع است که آیا استانداردهای حسابداری که تاکنون بار سنگینی برحرفه تحمیل کرده، از توان تکامل در راستایی برخوردارند که پیچیدگی‌های ابزارهای مالی را در بر بگیرد.

حتی قبل از آغاز سقوط مالی، کمبودهای مهمی در استانداردهای حسابداری ابزارهای مالی کشف شده بود. مثلاً در اروپا، ژاک شیراک، رییس‌جمهور پیشین فرانسه، از مشکلات عملی که بانک‌های فرانسوی و سایر بانک‌ها با آن مواجه شده بودند به اتحادیه‌ی اروپا شکایت کرد و به دیگری پیوست که می‌خواستند استانداردهایی مانند استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ اساساً اصلاح و در مواردی لغو شود. مسئله‌ی مورد بحث این است که این استانداردها قاعده‌های موشکافانه و محدودکننده‌ای را توسعه داده بودند (معروف به حسابداری مصون‌سازی^۲) که با آنچه در عمل رخ می‌دهد خیلی فرق دارد. نتیجه آن است که بسیاری از بانک‌ها می‌توانستند به طور قانونی خطرپذیری بهره و ارز را با استفاده از ابزارهایی مصون کنند و با حسابرسی مواجه شوند که با تفسیر خیلی تحت‌اللفظی استانداردها فرض می‌کند که همان بانک با این ابزارهای مشتقه‌ی «مصون‌کننده» سوداگری می‌کند. بنابراین حساب‌های منتشر شده می‌توانست گمراه‌کننده باشد.

بالفعل و بالقوه‌ای می‌دهد که می‌خواهند
تصمیم‌گیری کنند.

برای ارزیابی پاسخ‌دهی مدیریت
در مورد منابع در اختیار و نیز توانایی
موسسه در توزیع در چارچوب قانونی که
در آن عمل می‌کند، اطلاعات سودمندی
به سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دیگر
استفاده‌کنندگان بالفعل و بالقوه ارائه
می‌دهد.

اطلاعاتی درباره‌ی عملکرد مالی
موسسه و جایگاه مالی آن ارائه می‌کند
که برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و
دیگر استفاده‌کنندگان بالفعل و بالقوه در
ارزیابی توان تولید نقدینگی مفید است؛
از آن جمله می‌توان از اطلاعاتی نام برد
که درباره‌ی زمان‌بندی و عدم قطعیت
تولید وجوه نقد ارائه می‌کند.

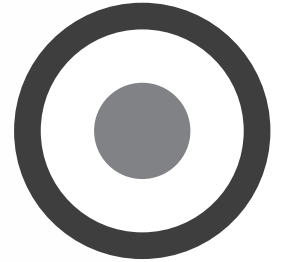
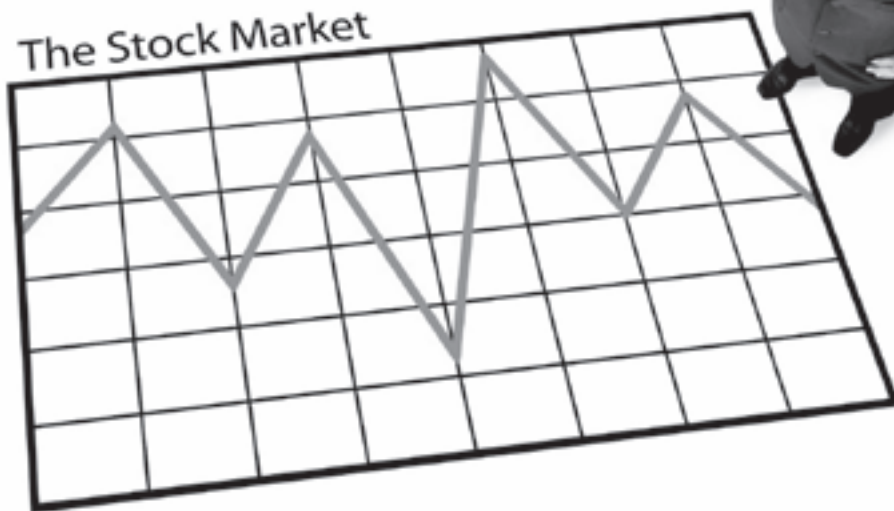
حسابداری ابزارهای مالی: رویکرد
ارزش منصفانه

در برابر رویکرد بهای تمام‌شده
قبل از آغاز بحث درباره‌ی ارتباط
معیار ارزش منصفانه‌ی ابزارهای مالی و
مفید بودن آن برای کاربران حسابداری،
لازم است به طور مختصر به هدف‌های
گزارشگری مالی اشاره و استفاده‌کنندگان
از صورت‌های مالی را شناسایی کنیم.

الف- هدف‌های صورت‌های مالی

هدف‌های عمومی گزارشگری مالی
برای همه‌ی موسسات، از جمله نهادهای
بانکی، خلق چارچوبی ارتباطی است که
در آن:

اطلاعات سودمندی به سرمایه‌گذاران،
اعتباردهندگان و دیگر استفاده‌کنندگان



را در نظر بگیرد. در این فصل هدف‌های گزارشگری مالی در ارتباط با مسئله‌ی ارزش منصفانه بررسی می‌شود.

ب- هدف گزارشگری عملکرد چه باید باشد؟

گزارشگری عملکرد باید اطلاعاتی ارائه کند که به استفاده‌کنندگان در درک وضعیت مالی امروز و گذشته‌ی موسسه کمک کند و شامل تمامی تغییرات گزارش شده در ارزش خالص دارایی‌ها باشد.

مدیریت مسئول تمامی عملکرد واحد و اندازه‌گیری دارایی‌ها و بدهی‌ها عنصر مهمی در ارزیابی عملکرد مدیریت است - همچنان‌که روش نمایش تغییرات در ارزش چنین است. انواع مختلف تغییرات در ارزش محتوای اطلاعاتی متفاوتی دارد که باید ارائه شود. یعنی عوامل بیرونی و علاوه بر آن پی‌آمدهای تصمیمات مدیریت لازم است در صورت‌های عملکرد نشان داده شود، اما به شیوه‌ای که محتویات اطلاعاتی مختلف را بازتاب بدهد.

وقتی عملکرد نشان داده می‌شود، برخی عوامل مؤثر بر تغییر ارزش ناشی از تغییرات عوامل بیرونی هستند در حالی

اتکا نباشد نمی‌تواند مربوط باشد. به توازن مناسبی میان این دو نیاز داریم. در حالی که باید فرض کرد که تمامی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی قابلیت شناخت این صورت‌ها را دارند و توان آن را دارند که در ارزیابی اطلاعات بکوشند، آن‌چه مهم است این است که اطلاعاتی که ارائه می‌شود قابل درک باشد. از آن‌جا که صورت‌های مالی از توافقی ارتباطی سرچشمه می‌گیرد، بازتاب این واقعیت هستند که پیچیدگی دادوستدها باید با قابلیت درک آن‌ها در رابطه‌ای متوازن قرار داشته باشد.

قابلیت قیاس به معنای آن است که نه تنها بتوان واحدهای اقتصادی مختلف را با یکدیگر مقایسه کرد که علاوه بر آن قادر باشیم یک واحد اقتصادی را در دوره‌های مختلف گزارشگری مقایسه کنیم. قابلیت قیاس بین واحدهای مختلف باید ماهیت دادوستدهای رخ داد و ماهیت کسب و کار در صورت‌های مالی هر واحد را به‌درستی بازتاب دهد. قابلیت قیاس دوره‌های مختلف گزارشگری باید در رابطه‌ای متوازن با بهبود گزارشگری مالی در طول زمان باشد.

هر تغییری در گزارشگری مالی باید موازنه‌ی میان اهمیت، هزینه‌ها و فایده‌ها

گزارشگری مالی در طول زمان به طور قراردادی خلق شده است و قادر نیست تمامی نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان را تامین کند.

استفاده‌کنندگان نیاز به تکمیل اطلاعات صورت‌های مالی با اطلاعاتی دارند که به شکل اظهارنظر مدیریتی یا منابع بیرونی ارائه می‌شود. علاوه بر این، محدودیت‌های ذاتی در صورت‌های مالی هست که ناشی از بازنمایی مورد توافق در مورد پی‌آمد مالی دادوستدها است. گزارشگری مالی، فرایندی است که مستلزم تخصیص تاثیر عملیات مستمر در دوره‌های منفک‌شده‌ی گزارشگری است که طی آن صورت‌های مالی در تاریخی مشخص ارائه می‌شود. بنابراین، این صورت‌ها رخدادها یا دادوستدهای آتی یا تمامی تغییرات بالقوه در محیط اقتصادی را بازتاب نمی‌دهند.

هدف‌های بالا تنها در صورتی تامین می‌شود که اطلاعاتی که در فرایند صورت‌های مالی گنجانده می‌شود از ارتباط، قابلیت اتکا، قابلیت درک و قابلیت مقایسه برخوردار باشد.

ارتباط و قابلیت اتکا اهمیت یکسانی دارند. به اطلاعاتی که نامربوط باشد نمی‌توان اتکا کرد و اطلاعاتی که قابل

که برخی دیگر به طور مستقیم‌تر پی‌آمد دادوستدهایی است که بنگاه انجام داده است. هر دو این‌ها باید در صورت عملکرد نشان داده شوند.

هدف گزارشگری عملکرد نباید هموارسازی تغییرات واقعی ارزش باشد. اما، برخی تغییرات ارزش می‌تواند ساختگی یا نامربوط باشد. به نظر می‌رسد، گزارشگری عملکرد اطلاعاتی ارائه می‌کند که به استفاده‌کنندگان در موارد زیر کمک می‌کند:

- درک وضعیت جاری
- ارزیابی عملکرد گذشته
- تحلیل عملکرد آتی

در صورتی که عملکرد واحد اقتصاد بهتر یا بدتر از گروه مشابهش باشد، به عنوان مبنایی برای داوری باید بتوان بین تغییرات ارزش که روی درآمدزایی بنگاه تأثیر می‌گذارد و نوسانات کوتاه‌مدت که ارتباطی با درک جریان‌ات نقدی ندارد تمایز قائل شد.

ج. شناسایی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی

سهام‌داران، سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران، مدیریت، وام‌دهندگان، کارکنان، سازمان‌های دولتی، ناظران مالی و عموم مردم استفاده‌کنندگان از

صورت‌های مالی هستند.

• سرمایه‌گذاران بلندمدت و تحلیل‌گران سهام

تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران بلندمدت و تحلیل‌گران سهام مبتنی بر محتویات بلندمدت است. آنان به دنبال اطلاعاتی هستند که به آنان امکان دهد پیشرفت بلندمدت شرکت، از جمله توانایی بنگاه در خلق جریان‌ات نقدی آتی، را ارزیابی کنند. معیارهای اصلی ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری آن‌ها شامل قیمت آتی سهام، بازده سرمایه‌ی سرمایه‌گذاری شده و سود سهام است.

• قیمت آتی سهام

سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران بیش‌تر به درآمد مبتنی بر تعهدات به مثابه عامل مهمی در پیش‌بینی بهای آتی سهام علاقه‌مندند. بسیاری از شرکت‌ها تکنیک‌های مدیریت مبتنی بر ارزش را معرفی کرده‌اند تا اطمینان یابند تصمیمات آن‌ها برای سهام‌داران‌شان ارزش‌آفرینی می‌کند. این تکنیک‌ها معمولاً مبتنی بر پیش‌بینی جریان‌ات نقدی آتی در سطح بنگاه یا واحدهای نقدینگی‌زا است. برخی شرکت‌ها اطلاعات مربوط به برنامه‌های مدیریتی مبتنی بر ارزش را افشا می‌کنند و در

گزارش‌های سالانه و بازنمایی مناسبات با سرمایه‌گذاران معیارهای عملکرد مبتنی بر ارزش را ارائه می‌کنند.

• بازده سرمایه‌ی سرمایه‌گذاری شده
بازده سرمایه همچنان معیار عملکردی مهمی است که به طور گسترده‌ای در نهادهای مالی و در ارتباط با سرمایه‌گذاران مورد استفاده قرار می‌گیرد. استفاده‌ی بیش‌تر از معیارهای ارزش منصفانه از اطلاع‌رسانی این معیارها می‌کاهد زیرا به سبب تغییرات ارزش منصفانه که ارتباطی با عملکرد مدیریت و موفقیت مدیران در بهره‌برداری مولد از دارایی‌هایی که نزد آن‌ها است ندارد، دچار اختلال می‌شود.

• سود سهام

در موارد رسیدگی قضایی به مواردی که حفظ سرمایه و قوانین توزیع که به سودهای قانوناً قابل توزیع منجر می‌شود متفاوت از سودهای حسابداری است، استفاده‌ی فزاینده از حسابداری ارزش منصفانه می‌تواند واگرایی بیش‌تری بین سود حسابداری و سود در دسترس برای توزیع میان سهام‌داران ایجاد کند. لازم است تدوین‌کنندگان استاندارد نسبت به تعامل بین قوانین تجاری و حسابداری در حوزه‌های قضایی متفاوت حساس باشند.



• وام‌دهندگان و تحلیل‌گران بدهی
وام‌دهندگان و تحلیل‌گران بدهی نیز
تصمیمات خود را بر مبنای محتویات
درازمدت می‌گیرند. وام‌دهندگان و
تحلیل‌گران بدهی نیز به ارزیابی توانایی
بنگاه در خلق جریان‌های نقدی دارند تا
قادر باشند توان بنگاه در پرداخت بدهی
جاری و آتی خود را شناسایی کنند.

• سرمایه‌گذاران کوتاه‌مدت
سرمایه‌گذاران کوتاه‌مدت تصمیمات
خود را بر مبنای چشم‌انداز آتی و
کوتاه‌مدت می‌گیرند. نفوذ آن‌ها می‌تواند
شرکت را به رفتارهای افراطی کوتاه‌مدت
بکشاند که می‌تواند در تناقض با منافع
بلندمدت شرکت باشد.

• مدیریت

لازم است مدیریت را به همان
شیوه‌ی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان
در استفاده از اطلاعات مالی در نظر
گرفت. در عین حال که مدیریت قادر
به تولید اطلاعات اضافی برای مقاصد
شخصی می‌باشد، هدف گزارشگری
مالی به مثابه ابزاری ارتباطی انتشار
نیازهای اطلاعاتی مشترک است.
اطلاعاتی که مدیریت از آن استفاده
نمی‌کند احتمالاً ارتباط، قابلیت اتکا و
درک‌پذیری کم‌تری از اطلاعاتی دارد که
روزانه در بنگاه از آن استفاده می‌شود.
مبتنی شدن بر معیارهای اطلاعاتی که در
مدیریت بنگاه از آن استفاده می‌شود کلید
اطمینان یافتن از آن است که گزارشگری
بیرونی ارائه شده، مربوط، قابل اتکا و
قابل درک است.

مدیریت پاسخ‌گوی استفاده‌ی درست
از منابعی است که در اختیار آن‌ها است.
مهم است که مدیریت می‌تواند گزارشی
به سهام‌داران درباره‌ی دادوستدهای
گذشته و رخدادهای دوره ارائه و
درباره‌ی آنچه انجام داده ارائه کند تا
وظایف و مسئولیت‌های خود در قبال
سهام‌داران را برآورده سازد. بنابراین،

مدیریت و سهام‌داران نیاز به چارچوبی
ارتباطی برای گزارشگری مالی دارند که
مربوط، قابل اتکا بازتاب‌دهنده‌ی الگوی
تجاری بنگاه به شیوه‌ای باشد که برای
هر دو قابل درک است.

• سایر گروه‌های استفاده‌کنندگان
دیگر گروه‌های استفاده‌کننده
شامل کارکنان، سازمان‌های دولتی،
ناظران نهادهای مالی و عموم مردم
است. کارکنان اساساً دل‌مشغول توان
بنگاه در خلق جریان‌های نقدی هستند.
سازمان‌های دولتی و ناظران نهاد مالی
گروه متمایزی از استفاده‌کنندگانند که
فرصت دستیابی به اطلاعات از طریق
گزارشگری‌های محتاطانه‌ی خاص
را دارند. انواع وسیع نهادهای مالی
نشان‌دهنده‌ی نیاز به ارائه‌ی صورت‌های
مالی با مقاصد عام است، نه صورت‌های
مالی برای پاسخ‌گویی به هدفی خاص
مبتنی بر مدلی محدود، همچون مدل
ارزش منصفانه‌ی کامل.

۲. آیا حسابداری ارزش منصفانه برای ابزارهای مالی هدف‌های گزارشگری مالی و نیازهای استفاده‌کنندگان را برآورده می‌سازد؟

مدل اندازه‌گیری ابزارهای مالی را
باید بر مبنای گستره‌ی تحقق هدف‌های
گزارشگری مالی داورى کرد. پرسش
محوری این است که آیا اندازه‌گیری
ابزارهای مالی در صورت‌های مالی
اولیه در صورتی که بر مبنای ارزش
منصفانه ارائه شود درست‌تر است یا اگر
این صورت‌های بر مبنای مدل ارزیابی
ترکیبی تهیه شود. در پاسخ‌گویی به این
پرسش باید این مسایل را در نظر گرفت
که آیا:

الف- ارزش منصفانه‌ی کامل
بازنمایی درست فعالیت اقتصادی است؛
ب- صورت‌های مالی که بر مبنای
ارزش منصفانه ارائه می‌شود چارچوب

ارتباطی بهتری برای درک اطلاعات مالی
توسط استفاده‌کنندگان فراهم می‌کند؛
ج- ارزش منصفانه‌ی کامل ابزارهای
مالی هدف گزارشگری عملکرد را تأمین
می‌کند؛

د- ارزش منصفانه‌ی کامل ابزارهای
مالی اطلاعات قابل‌اتکاتری برای
استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی
فراهم می‌سازد؛

ه- ارزش منصفانه به تنهایی
اطلاعات کافی برای تأثیرگذاری بر
تصمیم‌گیری فراهم می‌کند؛

و- ارزش منصفانه‌ی تمامی
صورت‌های مالی پیچیدگی را کاهش
می‌دهد و درک‌پذیری گزارشگری مالی
را ارتقا می‌دهد؛

ز- ارزش منصفانه‌ی تمامی ابزارهای
مالی شفافیت را افزایش می‌دهد؛

ح- ارزش منصفانه‌ی کامل قابلیت
مقایسه را ارتقا می‌دهد.

در بخش‌های بعدی این موضوعات
بررسی می‌شود.

الف- آیا ارزش منصفانه‌ی ابزارهای مالی بازتاب‌صادقانه‌ی فعالیت اقتصادی است؟

برای بازنمایی صادقانه‌ی فعالیت‌های
اقتصادی، لازم است صورت‌های
مالی بازتاب‌دهنده‌ی ماهیت گروه‌های
متفاوت دارایی‌ها و بدهی‌ها و ماهیت
دادوستدهای انجام‌شده باشد و آنچه
حقیقتاً در بنگاه انجام شده بازتاب دهد.
ارزش منصفانه‌ی ابزارهای مالی
می‌تواند اطلاعات سودمندی ارائه کند.
در شرایطی که ابزارهای مالی بر مبنای
ارزش منصفانه مدیریت شود، این
اطلاعات به‌تنهایی برای مدیریت کافی
است تا مدل و عملکرد اقتصادی را
تبیین کند تا استفاده‌کنندگان درک کاملی
از جریان‌های نقدی آتی برای ابزارهای
مالی داشته باشند که فعالانه دادوستد
می‌شود. اما وقتی فعالیت اقتصادی مبتنی

بر مبادلات کوتاه مدت نیست یا ابزارها بر مبنای ارزش منصفانه شان مدیریت نمی شود، ارزش منصفانه‌ی جاری و تغییر در ارزش منصفانه بین دوره‌های گزارشگری همواره بازنمایی صادقانه ابزارهای مالی مورد استفاده یا سهم آن‌ها در درآمد پایدار نیست.

• ابزارهای مالی مدیریت شده بر مبنای ارزش منصفانه

در مورد اقلامی که با هدف کسب بازده از طریق مدیریت آن‌ها بر مبنای ارزش منصفانه نگهداری می شود، ارزش منصفانه ارزش پیش‌بینی‌کننده‌ای بیش از قیمت تمام‌شده‌ی مستهلک‌شده‌ی تاریخی دارد. در الگوی کسب و کاری که در آن راهبرد بنیادی کسب منفعت از تغییرات کوتاه مدت در ارزش ابزارها است و به هنگامی که واحد اقتصادی فعالانه درگیر موقعیت ریسک در هنگام گشایش و تعطیل بازار است، برای بنگاه اقتصادی ارزش گذاری چنین ابزارهایی بر مبنای ارزش منصفانه مناسب است. در این چارچوب، جریان‌های نقدی که می تواند ایجاد شود در حقیقت اساساً منوط به شرایط و نرخ‌های موجود در بازارهای مالی خواهد بود. این ارزش همچنین توان بنگاه در کسب مزیت از فرصت‌ها یا واکنش به وضعیت‌های نامطلوب را پیش‌بینی می کند. بنابراین، معیار مناسبی برای ابزارهای مالی در چنین شرایطی است.

همچنان‌که ارزش منصفانه بهترین بازتاب جریان‌های نقدی آتی برای ابزارها در این شرایط است، علاوه بر آن اطلاعات مناسبی برای استفاده‌کنندگان اولیه‌ی صورت‌های مالی فراهم می کند. سرمایه‌گذاران می توانند به منظور ارزیابی بازده سرمایه‌گذاری‌های شان در بنگاه به این چنین اطلاعاتی اتکا کنند، همچنان‌که تغییرات در ارزش منصفانه‌ی ابزارهای مدیریت شده بر مبنای ارزش

منصفانه می تواند بر سود سهام پرداختی و نیز بر ارزش سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها تاثیر گذارد. وام‌دهندگان برای ارزیابی وامی که به بنگاه می دهند، ارزش منصفانه بیانگر منابعی است که بنگاه برای پرداخت بدهی‌هایش در اختیار دارد، همچنان‌که بر مبنای راهبرد بنگاه ارزش منصفانه ترجمانی از جریان‌های نقدی بالفعل است.

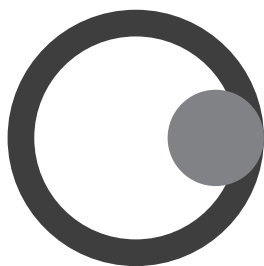
اگر ابزار مالی برای استفاده در فعالیت اقتصادی برای ایجاد جریان‌های نقدی نگهداری می شود و تمایل بالفعل یا بالقوه برای فروش وجود ندارد، هدف دستیابی به جریان درآمدی باثبات که بر مبنایی مستمر طی یک دوره‌ی مشخص است. دارایی تا هنگام سررسید نگهداری می شود (یا دست کم مگر آن که وضعیتی که پیش‌پرداخت بدون تغییری در شرایط انجام می شود) و این بدان معناست که جریان‌های نقدی آتی به آسانی قابل شناسایی است. نگهداری یک ابزار مالی تا هنگام سررسید مشابه سهام در دست مبادله‌ی شرکتی به هنگامی است که شناسایی هرگونه افزایشی در ارزش بازار آن نامناسب است مگر به هنگامی که فروخته شده و درآمد آن به دست آید (هرچند شناسایی کاهش ارزش سرمایه مناسب است).

معیار ارزش منصفانه‌ی ابزار مالی محتویات اطلاعاتی دارد که مقیاسی از هزینه‌ی فرصت و برآوردی از قیمت است که در بازارهای ضعیف و ناموجود نمی توان ارزش نقدی مورد انتظاری را که از آن دریافت می شود درک کرد. اما، تغییرات در ارزش منصفانه عملکرد جریان نقدی آتی این ابزارها را پیش‌بینی نمی کند، مگر این که نهاد بانکی تمایل به فروش ابزار داشته باشد و طرف مقابلی را بیاید که تمایل به خرید آن داشته باشد. وقتی این ابزارها برای فروش نگهداری نمی شود، اطلاعات عملکرد باید

بازتاب‌دهنده‌ی عملکرد واقعی بنگاه و چگونگی مدیریت آن باشد. تنها اطلاعاتی که به درک زمان‌بندی جریان‌های نقدی بالقوه، ریسک اعتباری و احتمال ورشکستگی کمک می کند مناسب و برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی مفید است. قیمت تمام‌شده‌ی مستهلک شده، شامل هرگونه کاهش ارزش و در نظر گرفتن جزئیات بیش تر در یادداشت‌ها، در مورد عملکرد جریان نقدی بالقوه نسبت به ارزش منصفانه، اطلاعات مرتبط تری ارائه می کند.

از سوی دیگر، الزام به استفاده از ارزش منصفانه و انعکاس تصورات بازار از تغییرات در ارزش از طریق صورت‌های درآمدی برای سبد دارایی‌هایی که دادوستد نمی شود، آن‌ها را در ارزشی نمایش می دهد که بازتاب جریان درآمدی که در عمل به دست می آید نیست. تغییر در ارزش خالص دارایی‌ها آن‌چه را انتظار داریم بر مبنای جریان‌های نقدی آتی رخ دهد بازتاب نمی دهد. در حالی که مدیریت می تواند ارزش منصفانه‌ی جاری مبتنی بر شرایط فعلی بازار را در نظر بگیرد، و این اطلاعات فوایدی دارد، نمی توان مدعی شد که در درک جریان‌های نقدی آتی با هنگام ورود آن به عرصه‌ی معاملات کمک خواهد کرد. بسیاری از استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی که به اطلاعات درآمد اتکا دارند با استفاده از مدل حسابداری ارزش منصفانه‌ی کامل که تنها اطلاعات ارزش منصفانه را ارائه می کند، به بهترین شکل اطلاعات را کسب نمی کنند.

علاوه بر این، در مقایسه با ارزش منصفانه‌ی افشاشده‌ای که مبنای مرتبط تری برای اندازه‌گیری ارائه نکند، از طریق صورت‌های مالی اولیه بر مبنایی که بهتر جریان‌های نقدی آتی را در مورد گروه‌های مختلف ابزارها بازتاب



ارزش منصفانه را برای بحث درباره‌ی چگونگی حرکت در مسیر راهبرد و تبیین آن دشوار می‌یابند. اگر مدیران و استفاده‌کنندگان، صورت‌های مالی کاملاً مبتنی بر ارزش منصفانه را حاوی اطلاعات کافی برای ارتباط معنادار بین این دو گروه ندانند، این خطر وجود دارد که صورت‌های مالی به «سند رعایت» تقلیل یابند. این وضعیت رضایت‌بخشی برای تدوین‌کنندگان استانداردها یا حرفه‌ی حسابداری به طور کلی نیست. بنابراین، مگر در مواردی که اجماعی گسترده در میان مدیران و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی بر سر این مسئله وجود داشته باشد که ارزش منصفانه به‌تنهایی اطلاعات کافی ارائه می‌کند، الگوی گزارشگری مالی باید الگوی مقیاس ترکیبی باشد.

ج) آیا ارزش منصفانه‌ی ابزارهای مالی هدف گزارشگری عملکرد را تامین می‌کند؟

برای نتیجه‌گیری در این مورد که آیا ارزش منصفانه‌ی کامل ابزارهای مالی هدف گزارشگری مالی را تامین می‌کند، گزارشگری عملکرد را مورد بررسی قرار می‌دهیم. تمرکز ما در این بحث روی ابزارهای مالی است که به

ناظران، بر اهمیت چشم‌انداز مدیریت تاکید کرده‌اند. برای مثال، شرط‌های گزارش اظهارنظر روی مدیریت و گزارش از بخش‌های بنگاه تاکید دارد که دیدگاه مدیریت می‌تواند اطلاعاتی ارائه کند که به تصمیم‌گیری کمک می‌کند. صورت‌های مالی، هم در تصمیم‌گیری و هم در تحقق هدف نظارتی / حساب‌دهی مفیدند. مدیران و سهام‌داران / سرمایه‌گذاران بلندمدت باید زبان مشترکی داشته باشند که مدیریت را قادر سازد که به سهام‌داران توضیح دهد که با سرمایه‌ای که سهام‌داران سرمایه‌گذاری کرده‌اند چه کرده است.

شفافیت مستلزم آن است که اطلاعاتی که مدیران از آن استفاده کرده‌اند به بازار ارائه شود. وقتی پرتفوی بر مبنای قیمت تمام‌شده‌ی مستهلک شده مدیریت و به مدیران گزارش شد، اطلاعات درآمد تحقق یافته تحت این الگوی گزارشگری با درک استفاده‌کنندگان از چگونگی اداره‌ی بنگاه و چگونگی و زمان انتظار برای تحقق نقدینگی ارتباط دارد.

مدیریت‌هایی که برای اداره و درک عملکرد کسب‌وکارشان به درآمدها و هزینه‌ها اتکا دارند نیز استفاده از صورت‌های مالی تهیه‌شده بر مبنای

می‌دهد، منافع استفاده‌کنندگان بهتر تامین می‌شود.

• الگوهای تجاری متفاوت

نهادهای بانکی، علاوه بر دارا بودن راهبردهایی برای استفاده از ابزارهای مالی در کسب‌وکار، راهبردهای متفاوتی برای کاهش ریسک دارند. در حالی که برخی تکنیک‌های کاهش ریسک بر کاهش نوسان ارزش منصفانه‌ای که در ترازنامه منعکس می‌شود متمرکز است، سایر تکنیک‌ها بر تامین ثبات جریان‌های نقدی و درآمد متمرکز است، اما این نیز احتمالاً شفافیت نتایج راهبردهای کاهش ریسک در صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد. استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی که به اطلاعات درآمد اتکا دارند با حذف حسابداری مصون‌سازی جریان نقدی برای نهادهای بانکی که بر این مبنا مدیریت می‌شوند، خدمت مناسبی دریافت نمی‌کنند.

ب- آیا صورت‌های مالی که بر مبنای ارزش منصفانه ارائه شده چارچوب ارتباطی بهتری برای تهیه‌کنندگان گزارش در ارائه‌ی اطلاعات مالی برای استفاده‌کنندگان فراهم می‌سازد؟

تدوین‌کنندگان استانداردها و

نحوی ساختارمند شده که استانداردهای جاری حسابداری نهادهای بانکی را ملزم به در نظر گرفتن این ابزارها ساخته است. همان اصول را باید در مورد سایر دارایی‌ها کاربرد داد

• وام‌ها و حساب‌های دریافتنی

معاملات وامی تحت عنوان «وام و حساب‌های دریافتنی» طبقه‌بندی می‌شود زیرا به منظور خلق درآمد از طریق دریافت بهره در طی زمان تا هنگام سررسید نگاه‌داری می‌شود. جریان نقدی مورد انتظار مانند یک قرارداد شناسایی می‌شود. از این روست که هزینه‌ی تقسیمی شده مانند ذخایر زیان، که بهترین برآورد زیان‌های موجود در پرتفوی در تاریخ گزارش‌گیری است، اطلاعات شفافی برای کاربران صورت‌های مالی ارائه می‌کند که به آن‌ها امکان می‌دهد اثر آن روی درآمد آتی را برآورد کنند. در این حالت، ارزش منصفانه ارزش پیش‌بینی‌کنندگی کم‌تری دارد زیرا ارزش منصفانه ارزش موردانتظار جریان‌های نقدی آتی را بازنمایی نمی‌کند.

• نگاه‌داری تا سررسید

همین نکات در مورد وام‌ها و حساب‌های دریافتنی کاربرد دارد. طراحی شده در ارزش منصفانه تا

هنگام سود یا زیان

دو وضعیت وجود دارد که در آن مناسب است ابزار مالی بر اساس ارزش منصفانه به همراه تغییرات در ارزش گزارش‌شده در سود یا زیان ارائه شود:

– وقتی ماهیت مبادلاتی دارد

– در حالتی که بر مبنای ارزش منصفانه مدیریت می‌شود.

وقتی ابزار مالی با هدف مبادلاتی نگاه‌داری می‌شود، احتمالاً تا هنگام سررسید نگاه‌داری شود، هرچند این ویژگی تعیین‌کننده‌ای نیست. در عین حال، در عمل نتیجه ممکن است نگاه‌داری ابزارها تا هنگام سررسید باشد، نمونه‌ی این ابزارهای مالی قراردادهای ابزار مشتقه‌ی خارج از بورس و قراردادهای ابزارهای مشتقه‌ی تسویه‌شده به سبک اروپایی است. هدف این ابزارها کسب بازده از طریق دادوستد در شرایط مخاطره‌آمیز است. از آن‌جا که این ابزار دادوستد می‌شود، تغییرات مورد انتظار در عوامل برون‌ی متفاوت و تغییرات ارزش محقق می‌شود، و ارزش منصفانه مقیاس مناسب وضعیت مالی است. حتی در صورتی که این ابزار دادوستد نشده باشد، از آن‌جا که احتمال بالایی وجود دارد که تغییرات تحقق‌نیافته

در ارزش تحقق یابد، معیار مناسب وضعیت مالی ارزش منصفانه است نه ارزش مستهلک‌شده. برای آن گروه از استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی که مایلند درآمد آتی پرتفوی مبادلاتی را پیش‌بینی کنند تغییرات محقق شده و محقق نشده بازتاب‌دهنده‌ی وضعیت مبادلاتی است.

طراحی در سطح ارزش منصفانه تا هنگام سود یا زیان بدون هدف مبادلاتی مشخص کم‌تر هدفمند است. دلایل مختلفی برای انتخاب این گروه می‌توان مطرح کرد. بدیل در برابر حسابداری مصون‌سازی یا بدیلی برای پرهیز از تاثیرات ساختگی روی درآمد وقتی دلیلی وجود دارد که باور کنیم، حتی بدون این که قصد مبادله‌ی بدهی‌ها یا دارایی‌ها را داشته باشیم، می‌توان قبل از سررسید نهایی آن را محقق ساخت، مثالی از این مورد است. ابزارهای مالی به دلایلی ترکیبی نگاه‌داری می‌شود.

در عمل، محصولات بانک‌داری خرده‌فروشی از طریق خزانه یا واحد تجاری تامین وجوه می‌شوند، هرچند سازمان‌های مختلف بر مبنای الگوهای تجاری متفاوتی عمل می‌کنند. اگر رابطه‌ای یک‌به‌یک بین دارایی‌ها و



بدهی‌ها وجود داشته باشد، گزارشگری عملکرد نسبتاً ساده است. اما، در عمل، تامین مالی داخلی و مدیریت ریسک محصولات بانکداری خرده‌فروشی را می‌توان با دادوستدهای بیرونی متفاوت در آمیزه‌ای از قراردادهای بدهی‌های مشتقه بنا کرد.

از آن‌جا که آمیزه‌ای از ابزارهای متفاوت وجود دارد که با هدف‌های متفاوتی نگاه‌داری می‌شود، روشن است که نه استفاده‌ی منحصر به فرد از ارزش منصفانه مناسب است و نه ارزش مستهلک شده در تمامی موارد پاسخ‌گوست. همچنان‌که آمیزه‌ای از شیوه‌های نگاه‌داری تا هنگام سررسید نهایی و سودبری کوتاه‌مدت وجود دارد، بنابراین هم استفاده از ارزش منصفانه می‌تواند مناسب باشد و هم استفاده از ارزش مستهلک‌شده. حسابداری جاری این هدف‌های ترکیبی را در سه گروه مطرح می‌سازد:

- نگاه‌داری تا هنگام سررسید (قیمت تمام‌شده‌ی مستهلک‌شده)

- مبادله (ارزش منصفانه در ترازنامه و صورت درآمد)

- آماده‌ی فروش (ارزش منصفانه در ترازنامه)

روش دیگری که علم اقتصاد عرضه می‌کند بررسی بلوک‌های اصلی تشکیل‌دهنده‌ی مبادلات ترکیبی است. وقتی این تحلیل در مورد دارایی‌ها و بدهی‌ها بهره‌زا انجام می‌شود، نتایج طبعاً چنین است:

- عنصر بهره‌ی محصول بانکداری خرده‌فروشی تا هنگام سررسید نگاه‌داری می‌شود

- واحد خزانه‌داری ی تجاری ریسک نرخ بهره را در موقعیت‌های تجاری متفاوت مدیریت می‌کند.

این منطبق به شناسایی برخی بدیل‌های اندازه‌گیری می‌انجامد که

برای کاربرانی که مایل به پیش‌بینی دادوستدهای آتی اند محتوای اطلاعاتی متفاوتی دارد. ابزارهای مالی ابزارهای پیچیده‌اند که ریسک‌هایی پیچیده در بردارند که به شیوه‌های مختلف و با هدف‌های متفاوت مدیریت می‌شود. روش ارائه‌ی عملکرد گذشته به مثابه مبنایی برای پیش‌بینی عملکرد آتی، اندازه‌گیری عناصر متفاوتی است که جداگانه بر مبنای قیمت تمام‌شده‌ی مستهلک‌شده و / یا ارزش منصفانه‌ی مبتنی بر الگوی تجاری است.

• آماده‌ی فروش

سرفصل آماده‌ی فروش شامل مسایلی شبیه سرفصل‌های ابزارهای مالی طراحی شده بر مبنای ارزش منصفانه از طریق سود یا زیان است. بنابراین نکاتی که در بخش‌های پیشین گفته شد در این مورد نیز کاربرد دارد:

- در مورد ابزارهایی که نگاه‌داری می‌شوند تا با گذشت زمان کسب درآمد کنند، قیمت تمام‌شده مستهلک‌شده مرتبط‌ترین مبنای اندازه‌گیری است.

- در مورد ابزارهایی که از طریق مدیریت آن‌ها بر مبنای ارزش منصفانه کسب بازدهی می‌کنند، ارزش منصفانه مرتبط‌ترین معیار اندازه‌گیری است.

مسئله‌ای که به همین اندازه مهم است مسئله‌ی هدف‌های چندگانه‌ای است که پیش‌تر از آن سخن گفتیم. به نظر می‌رسد مسئله‌ی هدف‌های چندگانه پیش از این در ادبیات حسابداری حل شده باشد، زیرا تغییر در بهای تمام‌شده‌ی مستهلک‌شده یا ابزارهای شامل بهره که در گروه دارایی‌های آماده‌ی فروش طبقه‌بندی شده‌اند در صورت درآمد ارائه می‌شود در حالی که تغییر تحقق‌نیافته در ارزش مستقیماً در سرمایه شناسایی می‌گردد.

در این بخش، نتیجه گرفته‌ایم که اگر ابزارهای مالی که مورد ارزیابی قرار

می‌گیرد به منظور ایجاد جریان نقدی آتی قابل پیش‌بینی نگاه‌داری شود، ارزش منصفانه به هنگام ارزیابی عملکرد کنونی و برآورد عملکرد آتی نامناسب است. وقتی ابزارها تا هنگام سررسید نگاه‌داری می‌شود، تغییرات موقتی در ارزش منصفانه عملیات جاری بنگاه را بازتاب نمی‌دهد و به پیش‌بینی جریان نقدی آتی کمک نمی‌کند، از این جنبه در چنین شرایطی قیمت تمام‌شده‌ی مستهلک‌شده ترجیح داده می‌شود. اما وقتی بنگاه فعالانه درگیر موقعیت‌های ریسک ابتدا و انتهای فعالیت بازار است، مانند فعالیت‌های تجاری، تغییرات در ارزش منصفانه مناسب‌ترین روش برای برآورد عملکرد گذشته و عملکرد احتمالی آتی خواهد بود. همچنین تاحدودی نتیجه می‌گیریم که موضع ادبیات جاری حسابداری در مورد حسابداری ابزارهای مالی و حسابداری مصون‌سازی، در مقایسه با ارزش منصفانه‌ی کامل ابزارهای مالی، قابلیت بهتری در بررسی هدف‌های ترکیبی بنگاه دارد.

(د) آیا حسابداری ارزش منصفانه برای تمامی ابزارهای مالی اطلاعاتی ارائه می‌کند که تمامی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی اتکای بیش‌تری به آن داشته باشند؟

در مورد ابزارهای سیالی که در بازاری فعال مبادله می‌شوند، می‌توان به ارزش منصفانه اتکا کرد. این ارزش برابر با مظنه‌ی بازار است. در مورد ابزارهایی که در فهرست یک بازار فعال نیستند اما بر مبنای ارزش منصفانه مدیریت می‌شوند، از تکنیک‌های پیچیده‌ی ارزیابی و مدل‌سازی برای برآورد ارزش منصفانه استفاده می‌شود.

با این حال، اگر مدل‌های ارزیابی تنها برای گزارشگری بیرونی مورد استفاده قرار گیرد، ارتباط اطلاعات ارزش منصفانه‌ی ابزار مالی که بر مبنای

ارزش منصفانه مدیریت نمی‌شود حتی در مواردی که فرایند ارزش‌یابی به ارزش منصفانه‌ی قابل‌اتکایی بینجامد، اعتبار چندانی ندارد.

ه) آیا ارزش منصفانه‌ی کامل ابزارهای مالی به‌تنهایی اطلاعات کافی برای تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری ارائه می‌کند؟

همچنان‌که در بالا گفته شد، هنگامی که ابزارهای مالی بر مبنای ارزش منصفانه مدیریت می‌شود، منطقی است نتیجه بگیریم که اطلاعات ارزش منصفانه و تغییرات ارزش منصفانه اطلاعات مناسبی برای تاثیرگذاری روی تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی می‌گذارد. به استفاده‌کنندگان همان اطلاعاتی ارائه می‌شود که مدیران مهم می‌دانند و این اطلاعات بهترین نشانه‌ی جریان‌های نقدی آتی موردانتظار است.

هنگامی که ابزارهای مالی بر مبنای ارزش منصفانه مدیریت نمی‌شود، نمی‌توان به همین نتیجه رسید. از آن‌جا که نه ممکن است و نه مطلوب که ابزارهای مالی را بدون درنگ فروخت، قیمت خروج از بازار نمی‌تواند به طور صادقانه‌ای معرف ارزش واقعی باشد. به طور خاص، در تعیین این که چه‌گونه درآمد از فعالیت بنگاه ناشی می‌شود، تغییرات ناخالص در قیمت خروج از بازار مفید نیست. آن دسته از استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی که برای شکل بخشیدن به مبنایی برای تحلیل‌هایشان به درآمد اتکا می‌کنند اطلاعات مهمی را که در ارزش منصفانه هست از دست می‌دهند.

می‌توان گفت که ارزش منصفانه معیار بهتری برای عملکرد است در مقایسه با معیارهای مبتنی بر قیمت تمام‌شده، زیرا ارزش منصفانه تمامی رخدادهای اقتصادی را که تا پایان دوره‌ی گزارشگری اتفاق افتاده بهتر

بازتاب می‌دهد. برخی گفته‌اند که این تنها ارزش منصفانه است که معیاری به‌هنگان از موقعیت و عملکرد بنگاه ارائه می‌کند و معیارهای مبتنی بر قیمت تمام‌شده‌ی مستهلک‌شده به ناگزیر منسوخ هستند.

در عین حال که اطلاعات ارزش منصفانه درباره‌ی ابزارهای مالی منفرد می‌تواند معیارهای مفید و به‌هنگامی باشد که به تصمیم‌گیری‌ها خرید/نگهداری چنین ابزارهایی کمک می‌کند، روشن نیست که در مجموع ارزش‌های منصفانه‌ی تمامی ابزارهای مالی چنین اطلاعات سودمند یا کاملی درباره‌ی بنگاه به طور کلی ارائه کند.

و) آیا ارزش منصفانه‌ی کامل از پیچیدگی می‌کاهد و قابلیت درک را افزایش می‌دهد؟

تاکنون متقاعد نشده‌ایم که استفاده‌کنندگان علاقه‌مندند ارزش منصفانه‌ی واحدی داشته باشند که نشان‌دهنده‌ی جریان‌های نقدی است. نمی‌دانیم که اکثریت تحلیل‌گران نهادهای بانکی درخواست‌کننده‌ی مدل اندازه‌گیری کامل ارزش منصفانه برای ابزارهای مالی اولیه هستند. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که قرار دادن تمامی دارایی‌ها و بدهی‌ها در ارزش خروج به بازنمایی صادقانه‌ی ارزش بنگاه به طور کلی کمک نمی‌کند.

اطلاعات ارائه‌شده به استفاده‌کنندگان آنان را قادر می‌سازد ظرفیت نهاد بانکی در تولید جریان‌های نقدی آتی را ارزیابی کنند. نکته‌ی کلیدی آن است که این جریان‌های نقدی با نهاد بانکی به طور کلی ارتباط دارند. ارزش کلی نهاد بانکی را نمی‌توان به طور متعارف با افزودن ارزش دارایی‌ها یا بدهی‌های منفرد به یکدیگر تعیین کرد.

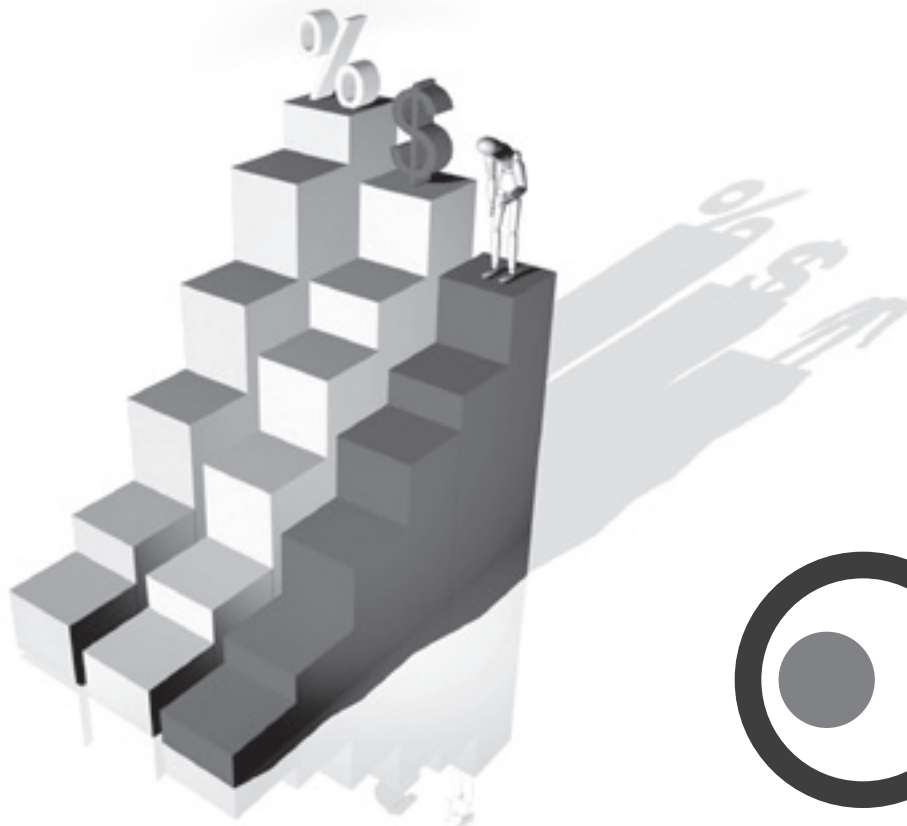
ارزش‌گذاری دارایی‌ها و بدهی‌ها

بر مبنایی که استفاده از آن‌ها را در کسب‌وکار بازتاب دهد مفید است. اگر تمامی ابزارها در سطح ارزش منصفانه اندازه‌گیری شوند، صورت درآمد مبنایی مناسبی برای تبیین عملکرد بنگاه ارائه نخواهد کرد و قابلیت درک صورت‌های مالی را افزایش نخواهد داد.

ارزش منصفانه‌ی کامل احتمالاً قابلیت درک را افزایش نخواهد داد، به‌خصوص در مورد ابزارهایی که نه در بازاری سیال مبادله می‌شوند و نه با هدف مبادله نگه‌داری می‌شوند و نه بر مبنای ارزش منصفانه مدیریت می‌گردند.

اگر هدف سرمایه‌گذاری کسب درآمد بر مبنای بلندمدت باشد و تغییرات کوتاه‌مدت به شکلی که بر راهبرد بنگاه اثرگذار باشد تاثیری بر جریان‌های نقدی آتی نداشته باشد، ممکن است در نظر گرفتن تغییرات ارزش منصفانه صورت درآمد بر اثر تغییر قیمت بازار گمراه‌کننده باشد. سود و زیان در پی تغییرات در نرخ‌های بازار شناسایی خواهد شد نه وقتی درآمدی به دست آید یا زیانی وقوع پیدا کند.

صرف‌نظر از مسئله‌ی پیچیدگی، مقیاس ارزش منصفانه‌ی کامل احتمالاً بدان می‌انجامد که استفاده‌کنندگان به اطلاعاتی پیچیده‌تر از آن دست یابند برای تکمیل افشای مبتنی بر اطلاعات درباره‌ی جریان‌های نقدی معاملاتی مورد توجه‌شان است. در نظر گرفتن اطلاعات مبتنی بر ارزش منصفانه به افزایش نیاز به افشاگری‌های اضافی به‌شدت پیچیده می‌انجامد که بازگوکننده‌ی برآوردهای گوناگون و نیز عواملی باشد که سبب تغییر در ارزش منصفانه می‌شود. بر این باوریم که ترازنامه و صورت درآمد باید مبتنی بر قیمت تمام‌شده‌ی مستهلک‌شده باشد تا بهتر جریان‌های درآمدی را در چشم‌انداز دوره‌های مختلف بازتاب دهد. و همراه با آن ارزش منصفانه به عنوان



استفاده‌کنندگان یا مدیران نمی‌دهد.
ح) آیا ارزش منصفانه‌ی کامل قابلیت مقایسه را افزایش می‌دهد؟
 اگر فرض شود که اندازه‌گیری تمامی ابزارهای مالی در سطح ارزش منصفانه به ارزش منصفانه‌ی یکسانی ابزارهای مالی یکسان در بنگاه‌های مختلف می‌انجامد، آن‌گاه اندازه‌گیری ارزش منصفانه‌ی کامل قابلیت مقایسه را افزایش می‌دهد. اما، این وضعیت حاکم نیست.

حتی در صورتی که این وضعیت حاکم باشد، این‌گونه ارزش‌های مقایسه‌ای اطلاعاتی قابل‌درک و معنادار ارائه نمی‌دهد، همچنان که در بیش‌تر شرایط ارزش منصفانه چگونگی استفاده از ابزار مالی در مدل تجاری را بازتاب نمی‌دهد. بنابراین، ارزش منصفانه‌ی محاسبه‌شده بازتاب‌دهنده‌ی واقعیت الگوی تجاری خاص نیست، و نتیجه‌ی عملی اطلاعات مقایسه‌ای قابل‌تردید است. از ابزارهای مالی واحدی می‌توان در فرایندهای درآمدزا / جریان نقدینگی استفاده کرد که وابسته به مدل تجاری کاربردیافته است که به انتظارات متفاوت می‌انجامد. این تفاوت را باید در صورت‌های مالی نشان داد.

استفاده از الگوی اندازه‌گیری ترکیبی حسابداری تهیه شده‌اند به خوبی درک می‌شوند. با استفاده از این الگوها فرایندهای گسترده‌ی مدیریت مالی که متکی بر اطلاعات به مثابه شالوده‌ای برای تصمیم‌گیری است
ز) آیا ارزش منصفانه‌ی تمامی ابزارهای مالی شفافیت را افزایش می‌دهد؟

مخالفتان سیستم اندازه‌گیری ترکیبی موجود اغلب می‌گویند که این سیستم به مدیران امکان می‌دهد که خواها از طریق تحقق‌گزینی درآمدها و خواه با استقرار شرایط اضافی بر درآمد افشاشده تاثیر گذارد. اما، صورت‌های مالی سالانه، گزارش‌های تجاری و حساب‌های مدیریت ابزارهای مالی تابع حسابرسی داخلی و خارجی منظم هستند. مقامات نظارتی بانکی، در روش‌های مدیریت ریسک بانکی موشکافی می‌کنند. مدل اندازه‌گیری ترکیبی به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی امکان می‌دهد دادوستدهای منجر به انتقال ریسک یا کاهش ریسک را مشاهده کنند. حسابداری ارزش منصفانه‌ی کامل برای ابزارهای مالی ابزاری بهتری برای شفافیت بیش از الگوی اندازه‌گیری ترکیبی به

اطلاعات تکمیلی در چارچوب افشا در یادداشت‌های صورت‌های مالی بیاید. الگوی حسابداری جاری مستلزم افشای ابزارهای مالی در زیرنویس‌هاست که ارائه‌کننده‌ی اطلاعات ارزش منصفانه است. استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی در استفاده از این اطلاعات ارزش منصفانه باید هر تغییری در حسابداری اندازه‌گیری ابزارهای مالی را ارزیابی کنند. بر این باور نیستیم که الگوی اندازه‌گیری ترکیبی منجر به پیچیدگی می‌شود. پیچیدگی ناشی از خود کسب‌وکار است، بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که الگوی حسابداری که شرح آن برای تدوین‌کننده‌ی استاندارد آسان است (اما در عمل اجرای آن دشوار است) بازتاب‌دهنده‌ی واقعیت پیچیده‌ی بنیادینش باشد. در مقابل، تنها الگوی اندازه‌گیری ترکیبی است که امکان می‌دهد حسابداری ترکیبی واقعیت پیچیده‌ی اقتصادی را بازتاب دهد.

مزیت الگوی اندازه‌گیری ترکیبی جاری آن است که به خوبی استقرار یافته و درک شده و بازتاب‌دهنده‌ی ماهیت تجاری الگوهای متفاوت کسب‌وکار و راهبردهای متفاوت مدیریت ریسک داخلی است. صورت‌های مالی که با

برای مثال، در یک بانک سرمایه‌گذاری که بر مبادله متمرکز است، از ابزار بدهی به منظور کسب سود به سبب تغییرات قیمتی یا عوامل بنیادی ریسک استفاده می‌کند، در حالی که در نهاد بانکداری خرده‌فروشی می‌توان از همان ابزار بدهی برای دریافت جریان ثابت درآمد ناشی از بهره و نیز مقدار اسمی در سررسید استفاده کرد. همچنان که راهبردهای تجاری متفاوتی که دنبال می‌شود تفاوت دارند، استفاده از معیارهای اندازه‌گیری متفاوت برای ابزاری واحد نیز قابلیت قیاس را کاهش نمی‌دهد. در مقابل، به استفاده‌کنندگان امکان می‌دهد دریابند که بنگاه در عمل چه‌گونه کار می‌کند. با استفاده از مبنای ارزش منصفانه‌ی کامل این فرصت از دست می‌رود.

علاوه بر این، صورت‌های مالی حتی دو بنگاه یکسان ممکن است به ارزش‌های منصفانه‌ی متفاوتی منجر شوند. اندازه‌گیری ارزش منصفانه خیلی دشوارتر از چیزی است که در نظریه‌ی صرف فرض می‌شود: بازارهای عمیق، سیال و کارا؛ وجود شرایط بازار آرمانی یا نزدیک به آرمانی؛ و گروه‌های آگاه،

مستقل و به لحاظ اقتصادی عقلانی. برای مثال، در واکنش‌هایی که هیئت بین‌المللی استانداردهای حسابداری در مورد مقاله‌ی مقیاس‌های ارزش منصفانه دریافت کرد، بسیاری پرسیدند که آیا مفهوم دیدگاه مشارکت‌کنندگان در بازار واقع‌گرایانه است. مبنا قراردادن تمامیت اندازه‌گیری ابزار مالی بر اساس نظر مشارکت‌کنندگان در بازاری نظری که بر محدودیت‌های بازار چشم می‌پوشد تنها می‌تواند به اطلاعاتی منجر شود که نه مرتبط است و نه بازنمایی صادقانه‌ی واقعیت. علاوه بر این، بدین خاطر، قابلیت مقایسه به‌ناگزیر خیلی ضعیف خواهد شد.

با ارزیابی رویکرد حسابداری مبتنی بر ارزش منصفانه در مورد ابزارهای مالی در برابر هدف‌های چندگانه‌ی گزارشگری مالی، به نتایج مبهمی رسیدیم که وقتی ابزارهای مالی یا اجزای آن‌ها بر همان مبنا مدیریت نمی‌شود، با حرکت به سمت الگوی اندازه‌گیری بر مبنای ارزش منصفانه‌ی کامل، اهداف گزارشگری مالی برآورده نمی‌شود. پس،

برای بازنمایی صادقانه‌ی الگوی تجاری بنگاه و روش درآمدزایی آن، الگوی ترکیبی اندازه‌گیری ضرورت دارد. ابزارهای مالی به دلایل متنوعی نگره‌داری می‌شود. همچنان‌که در بخش قبلی گفته شد، نه الگوی ارزش منصفانه و نه الگوی قیمت تمام‌شده‌ی مستهلک‌شده، هیچ یک نمی‌توانند راه‌حلی فراگیر باشند. بدین منظور به الگویی متمایز نیاز داریم. ضرورت دارد همچنان برخی ابزارهای مالی را بر مبنای بهای تمام‌شده‌ی مستهلک‌شده اندازه‌گیری کنیم، در حالی که به منظور بازتاب دادن واقعیت‌های بنیادی اقتصاد و راهبرد تجاری بنگاه برخی دیگر از ابزارها را باید بر مبنای ارزش منصفانه اندازه‌گیری کرد.

الگوی اندازه‌گیری ترکیبی به بهترین شکل عملیات بنگاه‌ها را بازتاب می‌دهد و امکان می‌دهد دارایی‌ها و بدهی‌هایی را که بر مبنای ارزش منصفانه مدیریت شده‌اند بر اساس ارزش منصفانه اندازه‌گیری کرد. هنگامی که بنگاه ابزارهای مالی را بر مبنای ارزش منصفانه مدیریت نمی‌کند، مناسب‌ترین شیوه برآورد جریان‌های نقدی آتی است.



نقد الگوی ترکیبی در حسابداری ابزارهای مالی

مسئله‌ی بنیادین استانداردهای حسابداری این است که تمامی دارایی‌ها و بدهی‌ها در ترازنامه به ارزش بازار نشان داده نمی‌شوند. نتیجه آن است که در مورد برخی اقلام دارایی‌ها یا بدهی‌ها، از تغییر ارزش بازار صرف نظر می‌شود؛ به عبارت دیگر دارایی بر مبنای قیمت تمام‌شده ثبت می‌شود و افزایش یا کاهش در ارزش دارایی مورد توجه قرار نمی‌گیرد، خواه در ترازنامه و خواه در صورت سودوزیان. این مسئله به‌ناگزیر مشکلاتی پدید می‌آورد.

این قواعد پیچیده‌ی غیرضروری حسابداری که اغلب بنگاه‌ها را ناگزیر می‌سازد سود و زیانی در گزارش سالانه‌ی خود نشان دهند که ماهیت «ساختگی» دارد. در این میان، حساب‌سازان می‌توانند در صورتی که بخواهند می‌توانند از این قواعد برای نشان دادن سود ساختگی استفاده کنند. تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری برای جلوگیری از وقوع این رخدادها صدها قانون ریزبینانه نوشته‌اند. نتیجه مجموعه‌ی پیچیده‌ای از قواعد حسابداری شده که همواره موثر نیست، چرا که راه فرار را بازگشته است.

این راه‌های فرار به بنگاه‌ها امکان داده برخی اقلام را «خارج از ترازنامه» بگذارند. در حقیقت، این امکان هست که به این دلیل استانداردهای حسابداری خود از جمله عوامل سقوط مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ بود چرا که امکان داد نهادهای مالی سودها و زیان‌ها را مخفی سازند. از هنگام رسوایی انرون در سال ۲۰۰۱، بسیاری از تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری در سرتاسر جهان در کوشش برای پیشگیری از سوءاستفاده‌هایی که انرون و برخی شرکت‌های دیگر کرده بودند بسیاری از استانداردها را تغییر دادند. تردیدی نیست که پیشرفت‌هایی در این

زمینه رخ داده است. اما مسئله‌ی بالقوه آن است که قواعد خیلی زیادی تدوین شده که برخی در تناقض با یکدیگر هستند و فرصت‌هایی برای حساب‌سازی ایجاد می‌کنند. در این فصل به الگوی ترکیبی می‌پردازیم که بر اساس آن برای اقلام مختلف دارایی‌ها از روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری استفاده می‌شود. برخی دارایی‌ها به‌ناگزیر باید به ارزش بازار و برخی دیگر به قیمت تمام‌شده نشان داده شوند.

اکنون چند دهه است که حسابداران از رویکرد «الگوی ترکیبی» استفاده می‌کنند. اما تجربه نشان داده است که استفاده از «الگوی ترکیبی» نیز مفرهایی برای نشان دادن غیرواقعی سود و زیان و پنهان کرده زیان‌های احتمالی از سهام‌داران با نشان دادن دارایی‌های زیان‌ده در سرفصل «آماده‌ی فروش» وجود دارد. تجربه‌ی ورشکستگی عملی کشور ایرلند به طور مشخص نشان داد که انطباق استانداردهای حسابداری «الگوی ترکیبی» در مورد ابزارهای پیچیده‌ی مالی شرایط غیرشفافی پدید آورده است.

در حقیقت، چنان‌که گفته شد این الگو می‌تواند زیان‌ها را پنهان سازد یا دست‌کم با قرار دادن آن‌ها تحت عنوان «آماده‌ی فروش» در شناسایی زیان‌ها تاخیر ایجاد کند. تلاش برای پذیرش استانداردهای حسابداری شفاف‌سازی گزارشگری مالی به سبب قوانین متعددی که در چارچوب آن ناگزیر به کار هستند پیچیدگی بسیاری در عمل پدید می‌آورد. اغلب، شمار بیش از حد قوانین و گزینه‌های بیش از حدی که وجود دارد می‌تواند شرایط را برای گزارشگری‌های غیرشفاف یا حتی گمراه‌کننده پدید آورد. مثلاً نمودارهای سود زیان می‌تواند دچار نوسانات بسیار زیاد شود که علت آن ریسک فعالیت‌های بنگاه نیست بلکه در حقیقت «نوسان ساختگی» که الگوی ترکیبی ایجاد می‌کند

سبب‌ساز این شکل نمودار شده است. در ادامه، این موضوع بررسی می‌شود و در عین حال قوانین تنبیهی و انضباطی مورد نیاز به خصوص در حوزه‌ی حسابداری مصون‌سازی برای غلبه بر این نارسایی‌ها تبیین می‌گردد.

پیشرفت‌های هیئت بین‌المللی استانداردهای حسابداری

نخست پیشرفت‌های اخیر در هیئت بین‌المللی استانداردهای بین‌المللی به اختصار تشریح می‌شود

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۲ پرداخت‌های مبتنی بر سهام: بنگاه‌ها موظفند قیمت تمام‌شده‌ی سهام جایزه، به ویژه در زمینه‌ی اختیار معامله (برای مثال، اختیار معامله‌ی خرید) را به عنوان هزینه در صورت سود و زیان افشا کنند. اما این قاعده صرفاً به پرداخت‌های مبتنی بر سهام محدود می‌شود.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ نرخ‌های موثر بهره: نهادهای مالی اغلب به اعطای وام‌های مخاطره‌آمیز و سوسه می‌شوند و از این طریق در صورت سود و زیان سود شناسایی می‌کنند. قواعد جدید حسابداری بیان می‌کند که سود وام باید در طی دوره‌ی وام توزیع یکنواخت داشته باشد و بنابراین بانک‌ها ناگزیر می‌شوند درآمد را به موازات ریسک شناسایی کنند.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۳. استانداردهای بین‌المللی حسابداری ۲۷ تلفیق: بنگاه‌ها اکنون موظفند در صورتی که شواهدی دال بر کنترل سایر شرکت‌ها داشته باشند صورت‌های مالی تلفیقی ارائه کنند. در نتیجه بنگاه‌ها تلفیق‌شده نمی‌توانند سودهای بین‌بنگاهی شناسایی کنند؛ مثلاً در مواردی که بنگاهی یک دارایی را به ارزش فراتر از قیمت واقعی به شرکتی که در اختیار دارد به فروش می‌رساند. به همین ترتیب بنگاه

نمی‌توانند از طریق شرکت‌های تابعه زیان‌هایش را پنهان سازد. بنابراین بدین ترتیب انتظار می‌رود از رسوایی‌های مالی شبیه انرون ممانعت شود.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ حسابداری مصون‌سازی: حسابداری مصون‌سازی از حوزه‌های بحث‌انگیز حسابداری است. اما بر اساس قواعد حسابداری مصون‌سازی در صورتی که یک نهاد مالی از ابزار مشتقه به منظور مصون‌سازی استفاده کند باید سود و زیان ناشی از ابزار مشتقه را طی یک دوره‌ی موقت خارج از صورت سود و زیان نشان دهد. اگر از همان ابزار مشتق برای هدفی سوداگرانه استفاده شود، بنگاه باید سود یا زیان را به طور مستقیم نشان دهد و از این رو زیان‌های ناشی از برخی ابزارهای مالی را دشوار می‌توان پنهان ساخت.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ بهره‌ی ناشی از سرمایه‌گذاری: اگر بنگاه‌ای در معرض افزایش یا کاهش ارزش دارایی قرار داشته باشد، از قرار دادن آن دارایی خارج از ترازنامه منع می‌شود. برای مثال، بنگاه نمی‌تواند همزمان وامی را به فروش برساند و تضمین کند که این وام دچار قصور نمی‌شود. در مورد بنگاه‌هایی که سودهایی را پیش از محقق شدن شناسایی می‌کنند یا زیان‌های ناشی از وام‌های مشکوک‌الوصول را خارج از ترازنامه قرار می‌دهند، این روش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۸ شناسایی درآمد: در حوزه‌ی فن‌آوری اطلاعات یا شرکت‌های اینترنتی که مبادرت به افزایش سرمایه می‌کنند و سودهایشان (و پیش‌بینی سودهایشان) را بدین ترتیب متورم می‌سازند این استاندارد

اعمال شده است. بدین ترتیب، بنگاه‌ها تا زمانی که سود به طور قطعی محقق نشده است نمی‌توانند آن را در صورت‌های مالی نشان دهند. کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکا سند موسوم به SAB ۱۰۱ را منتشر ساخت و بر اساس آن حسابداران موظف شدند سودهای مبتنی بر تخمین درآمد حاصل از فروش شناسایی کنند. در مقابل، بنگاه باید تا زمانی که کالا عرضه یا خدمت ارائه می‌شود برای شناسایی سود منتظر بماند.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۷ ذخیره‌ها: قواعد این استاندارد به منظور ممانعت از دخایر گرفته شده برای «عایدات دستکاری‌شده» استفاده می‌شود و بنگاه‌ها از این ذخایر برای پنهان ساختن نوسانات حساب سود و زیان استفاده می‌کردند و بدین ترتیب سودهای اضافی به دست آمده در سال‌های خوب را پنهان و در سال‌های بد آشکار می‌کردند. بنگاه‌ها از این روش بدان منظور استفاده می‌کردند

که سهام‌داران قادر به شناسایی ریسک فعالیت بنگاه نباشد.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷ افشا: اکنون بنگاه‌ها موظفند چگونگی تغییر ریسک پرتفوی سرمایه‌گذاری به سبب استفاده از ابزارهای مالی را افشا سازند.

استانداردهای بالا با توجه به رسوایی‌های مالی در شرکت‌هایی مانند انرون، ورد کام، زیراکس،... تدوین شده است. اما آنچه در عمل رخ داد این بود که اصول بالا شامل صدها قاعده است که برخی در تناقض با یکدیگر قرار دارند، برخی نیز ناهنجاری‌هایی در تدوین صورت‌های مالی پدید می‌آورند که باید برطرف گردند.

ارزش منصفانه یا قیمت تمام‌شده؟ به عنوان نتیجه‌گیری در نمایه‌ی یک شیوه‌ی برخورد استاندارد‌های حسابداری به دارایی‌های مختلف در ترازنامه و صورت سود و زیان نشان داده می‌شود.

نمایه‌ی یک	
این دارایی‌ها در ترازنامه به بهای تمام‌شده نشان داده می‌شوند. بازده این دارایی‌ها به صورت سود و زیان می‌رود.	دارایی‌های نگه‌داشته تا سررسید
عموماً این گروه از دارایی‌ها (و بدهی‌ها) به همان شیوه‌ی دارایی‌های نگه‌داشته تا سررسید نشان داده می‌شوند. در ترازنامه به بهای تمام‌شده و در صورت سود و زیان درآمد بهره می‌آید.	وام‌ها و اسناد دریافتنی
این گروه دارایی‌ها عموماً به طور کوتاه‌مدت نگه‌داری می‌شود و اغلب به منظور سوداگری مالی از آن استفاده می‌شود. برخلاف دو گروه نخست این دارایی‌ها به ارزش بازار در ترازنامه نشان داده می‌شود و تغییرات ارزش بازار آن به صورت سود و زیان می‌رود.	دارایی‌های مبادلاتی
این موارد شامل دارایی‌های غیرمشتقه است و به شکل بی‌فایده‌ای در استانداردهای حسابداری به عنوان دارایی‌های غیر از موارد سه‌گانه‌ی بالا تعریف شده است. این دارایی‌ها در ترازنامه به ارزش بازار نشان داده می‌شوند و تغییر در ارزش بازار آن به حساب ذخیره‌ی ارزش سهام می‌رود. پس از فروش نیز ارزش آن در حساب سود و زیان درج می‌شود.	آماده‌ی فروش